Qualitative Study of the Platforms and Motivations of Kerman Women's Participation in Empowerment Programs

Zahra Ghasemzade: Ph.D. student in sociology, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. ghasemzadeh112@gmail.com

Manuchehr Alinezhad*: Assistant professor, department of cooperatives and social welfare, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. m.alinejad@yazd.ac.ir

Hossein Afrasiabi: Associate professor, department of sociology, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. hafrasiabi@yazd.ac.ir

Dariush Boostani: Associate professor, department of sociology, faculty of social sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. dboostani2002@yahoo.com

Abstract

Introduction: Women empowerment is a crucial means of achieving gender equality and improving living conditions for women. Over the past few decades, many government and non-governmental organizations around the world, including in Iran, have pursued empowerment programs. Kerman City is also implementing such programs. This study explores the motivations and reasons behind women's participation in these empowerment initiatives.

Methods: This research adopted a qualitative approach, utilizing the data-based method proposed by Strauss and Corbin. Participants were selected through purposive and theoretical sampling, specifically women who had taken part in empowerment programs. In total, fifteen in-depth semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation was achieved.

Results: From the data analysis, several categories emerged, including family breakdown, learned hardship, feelings of failure and loneliness, determination, the necessity of work, empathy and support for others, and economic challenges.

Conclusions: The findings indicate that the motivations for Kerman women's participation in empowerment programs are grounded in the central themes of environmental determinism and risk-taking. The living conditions and personal characteristics of the women involved provide a conducive environment for their successful engagement in these empowerment initiatives.

Keywords

Women's Empowerment, Grounded Theory, Environmental Determinism, Risk-Taking

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 14 Dec 2023
Accepted: 16 May 2024

Please cite this article as follows: Ghasemzade Z, Alinezhad M, Afrasiabi H, and Boostani D. Qualitative study of the platforms and motivations of Kerman women's participation in empowerment programs. Quarterly Journal of Social Work. 2023; 12 (4); 46-56

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

مطالعه کیفی بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی

زهرا قاسم‌زاده: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. ghasemzadeh112@gmail.com
منوچهر علی‌نژاد*: استادیار، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. m.alinejad@yazd.ac.ir
حسین افراسیابی: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. hafrasiabi@yazd.ac.ir
داریوش بوستانی: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنرکرمان، کرمان، ایران. dboostani2002@yahoo.com

واژگان کلیدی

توانمندسازی زنان، نظریه داده‌بنیاد، جبر محیطی، ریسک‌پذیری

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷

چکیده

پیشگفتار: توانمندسازی زنان یکی از راه‌های دستیابی آنان به برابری جنسیتی است. توانمندسازی به آنان در جهت بهبود شرایط زندگی کمک می‌کند. در طول دهه‌های گذشته برنامه‌های توانمندسازی در سراسر دنیا و همچنین ایران توسط سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد پیگیری شده است. در شهر کرمان نیز برنامه‌هایی در این زمینه در حال اجراست. پژوهش حاضر این بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان در فرآیند برنامه‌های توانمندسازی را بررسی می‌کند.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه زنانی بودند که در برنامه‌های توانمندسازی شرکت داشتند و با روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. بر اساس معیار اشباع نظری، پانزده مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با آنان انجام شد.

یافته‌ها: دراین مطالعه براساس روش داده‌بنیاد مقوله‌های «گسست خانواده، مشقت آموخته، زیست در ناکامی و تنهایی، اراده‌مندی، جوهره‌مندی کار، دیگری همدل و تسهیلگر، تنگنای معیشتی» برساخت شدند.

پی‌آمد: یافته‌های پژوهش نشان داد که بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی تحت مقوله مرکزی جبر محیطی و ریسک‌پذیری قرار می‌گیرد. شرایط زندگی و ویژگی‌های زنان حاضر در پژوهش، زمینه مناسبی برای حضور موفق زنان در برنامه‌های توانمندسازی را فراهم نموده است.

نحوه استناد به مقاله

زهرا قاسم‌زاده، منوچهر علی‌نژاد، حسین افراسیابی و داریوش بوستانی. مطالعه کیفی بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۲؛ ۱۲ (۴): ۵۶-۴۶

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

زنان حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و نقش برجسته‌ای در توسعه جامعه دارند، اکثر تحقیقات انجام شده در مورد وضعیت زنان در کشـورهای در حال توسـعه نشان‌دهنده نابرابری بین زنان و مردان است. به‌عنوان نمونه از نابرابری در آموزش، مراقبت‌های بهداشـتی، حقوق و دسترسی به منابع و نابرابری در قدرت و اقتصاد می‌توان نام برد.[۱] بررسی‌های انجام‌شـده طی چند دهه گذشـته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و نابرابری‌های جنسیتی قرار دارند.[۲] در نتیجه به‌منظور کاستن از فقر و نابرابری برنامه‌های توانمندسازی زنان پیشنهاد و اجرایی گردید.

توانمندسـازی را می‌توان به فریره نسـبت داد. او معتقد بود آموزش به‌عنوان ابزاری برای رهایی افراد به‌حاشیه رانده‌شده که بر اثر چالش نابرابری‌های اجتماعی در آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اتفاق افتاده بود مفید اسـت.[۳] همچنین سابقه فعالیت‌های توانمندسازی را می‌توان به اهداف توسعه هزاره، نسبت داد که یکی از آن‌ها، توانمندسازی زنان و حمایت از برابری زنان و مردان بود. توانمندسـازی زنان به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر، گرسـنگی و دستیابی به رفاه کلی خانواده در نظر گرفته شـده اسـت.[٤] گزارش توسـعه انسـانی ۱۹۹۵ نیز توانمندی را یکی از چهار بند اصلی الگوی توسعه انسانی می‌داند. توانمندسـازی به معنی مشـارکت کامل مردم در تصمیمات و فرآیندهایی اسـت که زندگیشـان را شکل می‌دهد.[٤] توانمندسـازی زنان به‌عنوان یک فرآیند، ظرفیت فردی یا گروهی را برای انتخاب و تبدیل انتخاب‌ها به اقدامات و نتایج مطلوب افزایش می‌دهد. در اصل، توانمندسـازی از تغییر خود تعیین کننده سـخن می‌گوید. اصطلاح توانمندسازی اغلب برای توصیف فرآیندی اسـتفاده می‌شـود که در آن فرآیند به افراد کم توان، در کنترل منابع و تصمیمگیری سـهم بیشـتری می‌دهند.[۵] فرآیند دقیقی مانند یک فرآیند تغییر اجتماعی است، که در آن زنان توانایی خود را برای داشتن و ابراز عقایدی افزایش می‌دهند که با نگرش‌های رایج همسو نیستند و به الگوهایی در جوامع تبدیل می‌شوند. در نتیجه جامعه قادر به بسیج و سازماندهی فردی و جمعی برای تغییر اجتماعی است.[٦] بنابراین، اصطلاح توانمندسازی چندبعدی و یک فرآیندا‌جتماعی است که به افراد کمک می‌کند تا بر زندگی خود کنترل داشته باشند.[۷] توانمندسازی نه تنها به‌عنوان قدرت اقتصادی بلکه به‌عنوان یک فرآیند تغییر اجتماعی، هم عملی فردی و هم زمینه‌ای اسـت.[۸] توانمندسـازی فرآیندی اسـت که در آن زنان آنچه را که می‌توانسـتند انجام دهند و آنچه را که قبلا نمی‌توانستند انجام دهند، توصیف و بازآفرینی می‌کنند. توانمندسازی می‌تواند شامل اقداماتی برای بهبود وضعیت زنان از طریق آموزش، افزایش آگاهی و سوادآموزی باشد. زنان قادر به افزایش اعتمادبه‌نفس برای ایفای نقش و مشارکت فعال در تصمیمگیری در مورد مساله‌های مختلف جامعه هستند.[۹] در چارچوب تحلیل جنسـیت در کشـورهای مختلف پنج نوع سیاسـتگذاری برای تغییر موقعیت زنان اجرا شده یا در حال اجراست که عبارتنـد از: دیدگاه‌های رفاه و خیریه؛ دیدگاه حقوقی؛ دیدگاه ضدفقر؛ دیدگاه کارایی؛ و دیدگاه توانا‌سـازی. در مجموع تا قبل از سال‌های ۱۹۷۵ در سطح بین‌المللی سیاست‌های توسعه‌ای درباره زنان برای حل مساله رفاهی آن‌ها وجود داشت ولی در نگرش جدید زن تنها دریافت‌کننده حمایت‌ها نیست بلکه تولیدکننده، مشارکت‌کننده و در عین حال برخوردار شونده از امکانات به‌دسـت‌آمده در فرآیند توسعه است.[۱۰] از نظر آمارتیاسن، توانمندسازی زنان از طریق ایجاد فرصت‌های اشتغال، ترتیبات آموزشـی، حقوق مالکیت، آزادی بیشتری به آن‌ها می‌دهد که موضوعات گوناگونی چون توزیع خدمات درمانی، غذا و سـایر کالاها در درون خانوار و نیز کار و نرخ باروری را تحت نفوذ قرار می‌دهد. از نظر فعالیت‌های اقتصادی، نتیجه مشـارکت زنان در امور اقتصادی، تنها ایجاد درآمد برای زنان نیسـت بلکه فراهم‌سـاختن فواید اجتماعی حاصل از ارتقای وضعیت زنان و اسـتقلال ناشـی از آن نیز مورد نظر می‌باشـد. بنابراین، مشـارکت زنان در امور اقتصادی هم پاداش خود را دارد و هم بر تغییرات کلی اجتماعی تاثیری عمده می‌گذارد.[۱۱] از منظر نایلا کبیر فرآیند توانمندسـازی، قدرت اجتماعی را به سـه روش مهم تغییر می‌دهد: به چالش کشـیدن ایدیولوژی‌هایی که نابرابری‌های اجتماعی را توجیه و حفظ می‌کنند؛ تغییر الگوهای موجود دسترسـی و کنترل بر منابع اقتصادی طبیعی فکری و تغییر سـاختارهایی کـه نابرابری‌های قدرت را تقویت و حفظ می‌کند. عاملیت، بعد ذاتی توانمندسـازی اسـت و به فرآیندی اشاره دارد که در آن انتخاب‌ها انجام و عملی می‌شـود.[۱۲] عاملیت سـاختارهایی مانند هنجارها، آداب ورسوم و چارچوب‌های نهادی هسـتند که می‌توانند حکم کنند که بی‌عدالتی وجود ندارد یا این‌که ناعادلانه یا ظالمانه نیسـت.[۱۳] موضوع توانمندسـازی زنان به‌عنوان عاملیت از جایگاه زنـان به‌عنوان عوامل تغییر و نه به‌عنوان دریافت‌کنندگان تغییر پدید آمد. اهمیت این تعریف در رویکرد پایین به بالا (به‌جای

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

رویکرد از بالا به پایین) به توسعه برجسته شده است. عنصر عاملیت، زنان را به‌عنوان بازیگران مهم تغییر در نظر می‌گیرد.[۱۴] منابع به ابزارهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها عاملیت اعمال می‌شود.[۱۳] سارا لانگه معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل طی شود. رفاه به‌عنوان پایین‌ترین سطح توانمندسازی و کنترل بالاترین سطح آن است که با ورود به عرصه عمل حاصل می‌شود و به معنی کنترل داشتن بر فرآیند تصمیم‌سازی از طریق آگاهی و بسیج نیروهاست که خود منجر به برابری در کنترل بر تولید و توزیع منافع می‌شود.[۱۵]

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه ابعاد متفاوتی را نشان می‌دهد. یکی از پژوهش‌ها نشان‌دهنده توانمندی اقتصادی و استقلال زنان با دسترسی به فرصت‌های‌شغلی است. ظرفیت اقتصادی بالاتر به آن‌ها استقلال بیشتری می‌دهد و آن‌ها را برای انتخاب برخی از انتخاب‌های زندگی خانوادگی و استراتژیک آسوده می‌کند. افزایش دسترسی به فضاهای عمومی و آگاهی در مورد حق انتخاب زندگی آن‌ها باعث افزایش عزت‌نفس آن‌ها شده است.[۳] یکی دیگر از پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان دارای عاملیت قابل‌مشاهده و آگاهی انتقادی بالاتر تمایل بیشتری برای به‌دست‌آوردن عاملیت در برخی فعالیت‌های توانمندساز دارند.[۱۶] پژوهش دیگری نشان می‌دهد زنانی که به خود متکی هستند، به سایر زنان احترام می‌گذارند، قادر به تصمیمگیری هستند و ارزش خود را احساس می‌کنند، امکانات بهداشتی بهتری برای زنان و کودکان، آگاهی بهتر از حقوق خود، برابری جنسیتی، مشارکت زنان و مشارکت در عملکرد شغلی دارند.[۱۷] بنابراین، توانمندسازی زنان تاثیر زیادی بر سلامت، تغذیه، آموزش و رفاه کلی جوامع و همچنین کودکان و خانواده‌ها دارد و باعث افزایش دسترسی زنان به آموزش، مالکیت دارایی و تصمیمگیری، افزایش سلامت، آموزش کودکان و دسترسی به امکانات پزشکی و در نتیجه کاهش قابل‌توجه فقر شده است.[۱۸] از سوی دیگر، نگرش‌های جنسیتی و این‌که همسران به تصمیمگیری زنان در خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند یا در مورد نقش زنان برای تصمیمگیری در امور خانواده به توافق می‌رسند، دارای اهمیت است.[۱۹] همچنین زنانی که احساس حمایت بیشتر از سوی همسر و خانواده داشتند موفقیت بیشتری در پروژه توانمندسازی کسب نموده و این حمایت خانواده نقش جدایی‌ناپذیر مردان و خانواده گسترده‌تر در فرآیند توانمندسازی زنان را نشان می‌دهد.[۲۰] پژوهش دیگری نشان داد که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و دسترسی به اطلاعات به‌طور قابل توجهی با توانمندسازی زنان مرتبط بودند. زنان بارور سرپرست خانوار دارای فرزند در گروه‌های سنی، سطح تحصیلات و شاخص ثروت بالاتر که درگیر کار حرفه‌ای بوده و به اطلاعات دسترسی داشتند توانمندتر گزارش شده‌اند.[۲۱] از میان پنج عامل: تصمیمگیری، تحرک، ارتباط با مدرسه بچه‌ها، کمک‌گرفتن از اقوام، تصمیمگیری روزانه در خانواده؛ تصمیمگیری بیشترین تاثیر را بر توانمندسازی زنان داشته و از سوی دیگر هم زنان مسنتر و هم زنان دارای مزایای بیشتر نسبت به جوانترها توانمندتر هستند.[۲۲] در پروژه‌های توسعه، توانمندسازی، اغلب به‌صورت محدود و به‌طور فزاینده‌ای در ارتباط با توانمندسازی اقتصادی تعبیر می‌شود. مردان در تضعیف فرصت‌های اقتصادی زنان یا حمایت از آن تاثیر دارند و استقلال زنان به شدت به ارتباط آن‌ها با دیگران بستگی دارد.[۲۳] پژوهش دیگری که در ایران انجام شده به این امر می‌پردازد که توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهای امید به زندگی، تحصیلات و هزینه‌های زندگی رابطه مثبت و معنادار و متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی رابطه معنادار و منفی با توانمندسازی اقتصادی دارند.[۲۴] همچنین بر اساس نتایج پژوهش دیگری، از میان راهبردهای متنوع در توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار «گسترش کارگاه‌های کسب و کار زنان»، «بهبود انسجام اجتماعی و شبکه روابط بانوان»، « جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات» و «حمایت از خوداشتغالی زنان» بیش از دیگر استراتژی‌ها می‌تواند به توانمندسازی موثرتر زنان سرپرست خانوار و قدرت‌یابی آن‌ها در تامین معیشت پایدار و مدیریت مناسبتر خانواده‌های آنان کمک کند.[۲۵] از دیگر سو، توانمندسازی زنان باید هم غیرمقطعی و تداومی باشد و هم در همه ابعاد صورت پذیرد که عبارتند از: -توانمندی‌جسمی، -توانمندی‌روانی، -توانمندی‌اقتصادی، -توانمندی‌اجتماعی، -توانمندی‌سیاسی، -توانمندی‌فرهنگی و -توانمندی‌حقوقی.[۲۶] از سوی دیگر بین توانمندسازی زنان و عوامل اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

حمایتی‌بودن، قـدرت پس‌انداز، و برخـورداری از حق‌مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد.[۲۷] همچنین در پژوهشی نشان داده شد که الگوی کاربردی توسـعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی، در قالب پنج مضمون سازمان‌دهنده دانش شخصی، دانش محیطی، نگرش شخصی، نگـرش محیطی، مهارت شـخصی و مهـارت محیطی می‌باشـد.[۲۸] پژوهش‌هـای متعـدد داخلـی و خارجی نگاهـی از بیرون بـه برنامه توانمندسـازی داشته و سعی بر این بوده که تاثیر این برنامه‌ها در زندگی زنان موردتوجه قرار گیرد اما این‌که زنان چگونه در این فرآیندها مشارکت داشته، چه کنش‌هایی داشته و انگیزه‌ها و بسترهای حضور و مشارکتشان در برنامه‌های توانمندسازی چه بوده؛ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از آن‌جـا که یکـی از آرمان‌های توسـعه پایدار، دسـتیابی به برابری جنسـیتی و توانمندسـازی تمامی زنان و دختران می‌باشد، در این زمینه فعالیت‌های متعددی در سراسر دنیا و ایران انجام شده که در ایران سابقه انجام فعالیت‌های توانمندساز به جهاد کشاورزی، بهزیستی، کمیته امداد، اسـتانداری، شهرداری‌ها و سـایر نهادهای دولتی و مردم‌نهاد می‌رسد که اولویت با زنان سرپرسـت خانوار، زنان حاشیه‌نشین و سایر زنان نیازمند دریافت خدمات می‌باشـد. طبق آخرین آماری که مدیرکل امور بانوان و خانواده اسـتانداری در سیزده اردیبهشـت ۱۳۹۹ بیان نموده در استان کرمان نه‌صد هزار زن در شهر و هفتصد هزار زن در روستا سکونت دارند. همچنین به این نکته اشاره شده است که کرمان در آمار زنان سرپرست خانوار رتبه چهارم کشوری را دارد. اما آمارها نشان می‌دهد که تعداد زنان سرپرسـت خانوار طی سـال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ رشد بیست و سه و یک دهم درصدی داشته اسـت. همچنین جمعیت حاشیه‌نشین شهر کرمان صد و بیست هزار نفر برآورد گردیده است. از سوی دیگر آمار دقیقی از افرادی که تحت پوشش پروژه‌های توانمندسازی قرار می‌گیرند، وجود ندارد. از آن‌جا که برنامه‌های توانمندسـازی متعددی در شـهر کرمـان اجرا شـده یا در حـال اجرا می‌باشـد، آگاهـی از انگیزه‌ها و بسترهای مشارکت زنان در این فرآیندها دارای اهمیت می‌باشد. به‌دلیل نقش اثرگذار زنان در خانواده و تاثیر این نقش در توسعه و پیشرفت جامعـه؛ لزوم مطالعـه انگیزه‌ها و بسـترهای مشـارکت زنان در فرآیندهای توانمندسـازی زنـان دارای اهمیت می‌باشـد. به‌دلیل این‌که در شـهر کرمان سازمان‌ها و گروه‌های متعدد در مناطق مختلف شـهر به اجرای برنامه‌های توانمندسـازی زنـان مشـغولند، مطالعه این بسـترها و انگیزه‌ها می‌توانـد در برنامه‌ریزی و اجـرای این فرآیندهـا و جمعیتی که تحت پوشش این برنامه‌ها قرارگرفته موثر واقع شود. چرا که تعداد زیادی در این برنامه‌ها مشارکت دارنـد اما تعـداد افرادی که توانمند شـده و برای خـروج از وضعیت موجود خود و بهبود شـرایط زندگی اقدام می‌کنند، کمتر از افراد مشارکت‌کننده در این برنامه‌ها است. بنابراین پژوهش حاضر با اسـتفاده از نظریه داده‌بنیاد، بسـترها و انگیزه‌های مشـارکت زنان شـهر کرمان در فرآیند توانمندسـازی و کنش‌های آنان را مورد کند و کاو کیفی قرار می‌دهد.

روش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی بوده. در این پژوهش از نظریه داده‌بنیاد با رویکرد سیستماتیک اشتراوس و کوربین استفاده شده است. در این رویکرد پژوهشگر در پی شکل‌دهی نظام‌مند یک نظریه برای تبیین فرآیند، اقدام و تعامل به یک موضوع است. نظریه داده‌بنیاد مستقیما از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گردآمده و تحلیل شـده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشـگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شـروع نمی‌کنـد؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شـود. نظریه‌ای که این‌گونه از داده‌ها اسـتخراج شده باشد، نسبت به نظریه‌ای که با کنار هم گذاشـتن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفا حدس و گمان شکل می‌گیرد ممکن است بیشتر به واقعیت نزدیک باشد.[۲۹]

جامعه‌آماری پژوهش حاضر زنان مشـارکت‌کننده در برنامه‌های توانمندسـازی سازمان‌های دولتی کمیته امدادامام‌خمینی، بهزیسـتی، اسـتانداری، بنیاد برکت و... و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد شهر کرمان اسـت، در این برنامه‌ها عموما زنانی حضـور دارند کـه به‌دلایل مختلف نیاز به حمایت مالی برای راه‌اندازی کسـب و کار خود دارند و سـازمان‌های دولتی با پرداخـت وام و سـازمان‌های مردم‌نهاد بـا معرفی به نهادهای مرتبط برای دریافت وام و یا کمـک افراد خیر زمینه این امر را

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

فراهم می‌نمایند.

نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به‌صورت نظری، هدفمند و با استراتژی حداکثر تنوع است. نمونه‌گیری نظری تراکمی یا تجمعی است. هر واقعه‌ای که به منزله نمونه برگرفته می‌شود از داده‌ها و تحلیل قبلی منشا می‌گیرد و به آن افزوده می‌شود.[۲۹] در نمونه‌گیری هدفمند باید در مورد این‌که چه کس یا چه چیزی نمونه‌گیری شود، چه نوعی از نمونه‌گیری استفاده شود و چه تعداد افراد یا محل نمونه‌گیری شوند تصمیمگیری کرد. از سوی دیگر، استراتژی حداکثر تنوع، مستلزم این است که پیشاپیش معیاری برای تفکیک محل‌ها یا مشارکت‌کنندگان تعیین کرد و سپس محل‌ها یا مشارکت‌کنندگانی را انتخاب کرد که کاملا از نظر این معیارها متفاوت باشند.[۳۰] بنابراین با توجه به رویکردهای فوق تا رسیدن به اشباع نظری با پانزده نفر از زنان مشارکت‌کننده در پروژه‌های توانمندسازی مصاحبه انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید و از مشارکت‌کنندگان در مورد انگیزه‌ها و بسترهای مشارکتشان در پروژه‌های توانمندسازی و ادامه این مسیر سوال شد.

در نظریه داده‌بنیاد، تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری انجام می‌شود که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. فرآیند مرتبط‌کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی کدگذاری محوری نامیده می‌شود. کدگذاری گزینشی، یکپارچه‌کردن و پالایش نظریه است که پژوهشگر می‌تواند نوعی داستان بنویسد که طبقات را به هم مرتبط می‌سازد یا می‌تواند به‌جای این کار، گزاره‌ها یا فرضیه‌هایی عرضه کند که حاکی از روابط پیش‌بینی‌شده بین طبقات باشد.[۲۹]

ملاحظات اخلاقی: رضایت مصاحبه‌شوندگان برای مصاحبه جلب شد. سپس در گفتگوی اولیه بین پژوهشگران و مصاحبه‌شوندگان اهداف کار توضیح داده و بر این نکته تاکید گردید که صرفا یک کار علمی انجام خواهد شد و هیچ‌گونه تبعات منفی برایشان به همراه نخواهد داشت. همچنین به افراد اطمینان داده شد که نام، مشخصات فردی و فایل‌های صوتی مصاحبه آنان به هیچ‌وجه منتشر نخواهد شد. در ثبت داده‌ها و نقل‌قول‌ها نیز از نام مستعار استفاده گردید.

قابلیت اعتماد و پایایی: برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از سه تکنیک -ممیزی، -بررسی از سوی افراد و -اعتباریابی مقایسه‌های تحلیلی استفاده شده است. در تکنیک ممیزی، یک یا چند محقق کیفی‌کار در انتهای پژوهش همه مراحل پژوهش را بررسی و تایید می‌نمایند. در تکنیک بررسی از سوی افراد، از مشارکت‌کنندگان درخواست می‌شود که هم در خلال کار و هم در مرحله تنظیم گزارش، مقولات و یافته‌های پژوهش را ملاحظه و درباره صحت آن‌ها نظر دهند. در تکنیک سوم، یک بار دیگر به داده‌های خام رجوع گردیده و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد.[۳۰]

یافته‌ها

جدول شماره دو مفاهیم، مقوله‌های اصلی و فرعی و مقوله مرکزی مستخرج از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. مقوله مرکزی به‌دست‌آمده، جبر محیطی و ریسک‌پذیری و به این معناست که زنان مشارکت‌کننده در پژوهش، بر اساس آنچه که ناشی از شرایط زندگی آنان بوده به این نتیجه رسیده‌اند که باید برای خود فکری کرده و بسیاری از مساله‌های پیش‌آمده خارج از اراده و خواست آنان بوده، از سوی دیگر این افراد ریسک کرده و کاری را آغاز کرده‌اند. این مقوله مرکزی شامل هفت مقوله است که شامل گسست خانواده، مشقت آموخته، زیست در ناکامی و تنهایی، اراده‌مندی، جوهره‌مندی کار، دیگری همدل و تسهیلگر و تنگنای معیشتی است.

گسست خانواده: این مقوله به معنای این است که مشارکت‌کنندگان در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که به‌دلایل مختلف دچار گسیختگی بوده و زندگی معمولی نداشته‌اند. این گسست و نبود اعضای خانواده در کنار یکدیگر به‌دلایلی چون ازدواج مجدد پدر یا همسر، جدایی از همسر، خیانت همسر یا پدر، جدایی والدین، دوری از خانواده و... بوده است. در واقع افراد زندگی عادی و معمولی مانند سایر اعضای جامعه نداشته‌اند. این مقوله شامل مفاهیم: ازدواج مجدد یا خیانت پدر یا همسر، جدایی والدین و زندگی دور از خانواده است. فاطمه می‌گوید: «ما شیش تا بچه بودیم که پدرم رفت پنهون از مادرم، زن دوم گرفت، ما رو ول کرد به حال خودمون. مادرمم طاقت نداشت ازش جدا شد. بدبختیای ما از اون موقع

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

شروع شد.»

مشـقت آموخته: این مقوله بیان می‌دارد که افراد سختی کشـیدن و زندگی سـخت را یاد گرفته و بخش مهمی از زندگیشان این مشقت‌ها و سـختی‌ها بوده که با آن روبرو بوده‌اند. بسـیاری از این افراد از دوران کودکیشان مسوولیت‌هایی چون خانه‌داری و نگهدای از خواهر و برادر کوچکتر را بر عهده داشـته و از سـوی دیگر به‌دلیل این مسوولیت‌ها از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. همچنین برخی که از کودکی به‌طور سـنتی باید مهارت‌هایـی را می‌آموختند مانند قالیبافی، خیاطی، سـوزن‌دوزی و... و برخـی نیز از کودکی و نوجوانی شـغلی را بـر عهده گرفته‌اند. چنین فعالیت‌هایی باعث شـده کـه این زنان مشـقت‌ها و رنج‌هایی را تجربه کنند که به مرور بخشی از زندگیشان شده است. این مقوله شامل مفاهیم: داشـتن زندگی سـخت، کار کردن و رها کردن درس و انجام کارهای منزل از کودکی است. مریم می‌گوید: «وقتی دو سالم بود پدر و مادرم از هم جدا شـدن، اول خونه پدربزرگ پدریم زندگی می‌کردم، پـدرم ازدواج کرد و زنش منـو قبول نمی‌کرد، بعـد از مدتی پدربزرگ مادریم اومد منو آورد خونه خودشـون که کرمان بـود، مادرمم بعد از مدتی ازدواج کرد و رفت پی زندگیش، از وقتی پنج، شش ساله شدم تو کارای خونه کمک می‌کردم و هر چی که بزرگتر شـدم کارای بیشتری بایـد انجام می‌دادم هـم کارای پدر بـزرگ و مادربزرگم وهم خونواده داییم؛ همه کارا با من بود، آخرای شب درس می‌خوندم، وقتیم از مدرسه می‌اومدم باید ظرف می‌شستم، جارو می‌کردم، لباس می‌شستم.»

زیسـت در ناکامی و تنهایی: این مقوله نشـان می‌دهد که زنان نوعی ناکامی و تنهایی را در زندگیشـان تجربـه کرده‌اند. برخی از آنان در زندگی مشـترک دچار ناکامی بوده‌اند که ناشـی از جدایی، خیانت و مسـوولیت‌پذیر نبـودن همسـر بوده و بـه این دلیل رنجـی را تحمل می‌کردند، از سـوی دیگر آن‌ها در تنهایی هـم زندگی می‌کردند چون به این نتیجه رسـیده بودند که تنها خودشان هسـتند که باید بار زندگی را به دوش بکشند و تمام مشـکلات را بتوانند حل کنند. بنابراین سعی می‌کردند از وابستگی خود به دیگران کاسته و متکی به خود باشند. این مقوله شـامل مفاهیم: ناکامی در زندگی مشـترک و اتکا به خود است. مهری می‌گوید: «کم‌کم به این نتیجه رسـیدم که نمی‌تونم به شـوهرم تکیه کنم، اون برای من تکیه‌گاه نیسـت بیشتر یه باری رو دوش منه که جلوی پیشرفتمم می‌گیره. سعی کردم از اون شرایط در بیام. سعی کردم خودم مشـکلاتمو حل کنم، کم‌کم از وابسـتگیم به بقیه کم کنم و یه فکری برای خودمو و بچه‌هام بکنم.»

اراده‌مندی: این مقوله به این معناسـت که زنان تمام تلاش خود را به‌کار می‌بردند تا به آنچه می‌خواهند برسـند، بنابراین با شـرایط فعلی و تمام ناملایمـات زندگی کنار آمده، تلاش کردند وضعیت زندگی خود را تغییـر داده و در ایـن راه مقاومت داشـتند. این زنان تمام تلاششـان را به‌کار می‌بردند که زندگیشـان را بسـازند، با رسـیدن به اسـتقلال مالی وضعیت زندگی خود و فرزندانشـان را تغییر داده و به سـمت تغییـر زندگی خود بروند. از سـوی دیگر این افـراد با پذیـرش وضعیت فعلی خود، سـعی می‌کردند با چالش‌ها روبرو شـده، برای حل آن‌هـا راه‌حل پیدا کرده و با تنهایی خود کنار بیایند. همچنین در کارشـان استمرار داشته، سرسـخت بوده و از زمان استراحتشـان برای کارکردن می‌گذشـتند تا به موفقیت برسـند.

جدول(۱) مشخصات افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	نام مستعار	سن	شغل	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان
۱	مریم	۴۶	شیرینی‌پزی و پته‌دوزی	متاهل (همسر دوم)	۲
۲	سحر	۳۰	پته‌دوزی	متاهل	۲
۳	زهره	۴۰	بافندگی	متارکه	۲
۴	شکوفه	۳۸	سوپرمارکت	متارکه	۲
۵	نسرین	۳۹	شیرینی‌پزی	متاهل	۱
۶	سمیه	۳۸	شیرینی‌پزی	مجرد	۰
۷	سکینه	-	شیرینی‌پزی	متارکه	۶
۸	فاطمه	۳۱	خیاطی	متاهل	۲
۹	مهری	۴۱	خیاطی	متاهل	۳
۱۰	پروین	۴۱	فروش لباس، آرایشگری	متارکه	۰
۱۱	محبوبه	۳۸	تولید وسایل زینتی، پته‌دوزی	متارکه	۱
۱۲	عارفه	۳۴	آرایشگاه	متارکه	۱
۱۳	راضیه	۴۰	خیاطی	متاهل	۲
۱۴	زینب	۴۷	خیاطی، محصولات خانگی	متاهل	۳
۱۵	مهدیه	۴۱	آرایشگاه مراقبت‌های پوستی	مجرد	۰

جدول(۲) مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله مرکزی
ازدواج مجدد یا خیانت پدر/همسر، جدایی والدین، زندگی دور از خانواده	گسست‌خانواده	جبر محیطی و ریسک‌پذیری
داشتن زندگی سخت، کارکردن و رهاکردن درس، انجام کارهای منزل از کودکی	مشقت‌آموخته	
ناکامی در زندگی مشترک	زیست در ناکامی و تنهایی	
اتکا به خود		
اهتمام به تغییر	اراده‌مندی	
گشودگی بر ناملایمات		
مقاومت		
شوق اشتغال	جوهره‌مندی کار	
آزمودن و ایجاد شغل		
همدلی و همراهی	دیگری همدل و تسهیلگر	
راهنمایی و هدایت		
تعلیق نقش نان‌آوری پدر/همسر	تنگنای معیشتی	
فقرمالی		
فقدان‌جایگزین(ناچاری)		

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

ایـن مقوله شـامل مفاهیم: اهتمام بـه تغییر، گشودگی بر ناملایمات و مقاومت می‌باشد. زینـب می‌گوید: «از یه جایی به بعد به خودم گفتم باید بلند بشـم و زندگیمو بسازم، به پول نیاز داشـتم بایـد کار می‌کردم، بـه بچه‌هام می‌رسـیدم، یـه جایی اجـاره می‌کـردم همه اینا پول می‌خواسـت. به خودم گفتم شرایط زندگی من اینه، شـرایطمو پذیرفتم و با خودم گفتم خودم باید یه تغییری تو زندگیم بدم.»

جوهره‌مندی کار: ایـن مقوله نشـان می‌دهد زنان دوست داشـتند کاری را انجام دهند و برای خودشـان شـغل داشـته باشند برای همین تلاش کردند شـغلی را برای خود ایجاد کرده، مهارت‌هایـی را آموخته و برای راه‌انداختن شغلشـان از افراد مختلف تجربه کسـب کردند، در جاهای مختلف مشـغول به‌کار شـدند و هم این‌که مشـاغل مختلف را آزمودنـد تا به یک شـغل معیـن و درآمد ثابت برسـند. این مقوله شامل مفاهیم: شوق اشـتغال و آزمودن و ایجاد شغل است. زهره می‌گویـد: «از وقتی که مجرد بودم یه سـری کارای بافتنـی انجام می‌دادم بـرای بقیه، در حد پول توجیبی بود. بعد از ازدواجم به‌همین شـکل بود تا این‌که از همسرم جدا شدم، اول رفتم شیرینی‌پزی یاد گرفتم و تو خونه شیرینی می‌پختم و بـه مغازه‌هـا می‌فروختم، بعدش دیدم برام نمی‌صرفه، ترشـی درست می‌کردم تو خونه، بازم می‌بردم در مغازه‌ها می‌فروختم، می‌خواسـتم مغازه ترشی و سـبزیجات بزنم گفتن باید مغازه یه شرایط خاصی داشته باشه تا سقف کاشی باشه و اینا، بازم در توانم نبود، خودمم از ترشـی درسـت کردن خسته شده بودم، دوباره برگشـتم به اصـل خودم، دیدم فقط می‌تونم با همـون بافتنی کار کنم و منو راضی می‌کنه، برای همین شـروع کردم با دسـت بافتن، بعدشم ماشین بافتنی گرفتم و کار با ماشین رو یاد گرفتم و کارمو ادامه دادم.»

دیگری همدل و تسهیلگر: مقوله فوق نشان‌دهنده این است که زنان گرچه بار اصلی زندگیشان را به دوش می‌کشند اما از سوی اطرافیان نیز مورد حمایت و همراهی قرار گرفته‌اند که هم در زمینه مادی به‌صورت محدود و هم حمایت عاطفی بوده است، همچنین افرادی در کنار آن‌ها حضور داشته‌اند که در زمینه کسب و کار، یادگیری مهارت و دریافت حمایـت از سـازمان‌های حمایت‌کننده به آن‌ها مشـورت داده‌اند. این مقوله شـامل مفاهیم: همدلی و همراهی و هدایت و راهنمایی می‌باشد. نسرین می‌گوید: «اوایل که کارمونو شروع کرده بودیم همه می‌گفتن که شـما نمی‌تونید اما شوهر خواهرم خیلی به ما کمک کرد، با ما می‌اومد برای خرید وسـایل، کلاسای مختلف بهمون معرفی می‌کرد که شرکت کنیم، خواهر بزرگم بهمون شیرینی‌پزی یاد می‌داد، خانواده به ما کمک می‌کرد که کارمون راه بیفته، اوایل هم که کارگاه رو راه‌انداختیم تا سه ماه هر روز هشـت نفر به ما کمک می‌کردن تا کار دستمون بیاد، درسته از نظر مالی کسـی نمی‌تونست کمک کنه اما از نظر فکری و مشورت خیلی کمک می‌کردن.»

تنگنای معیشتی: مقوله فوق به معنای این است که زنان با مشکلات مالی زیادی مواجه بودند، از طرفی پدر یا همسـر که سرپرست خانواده محسوب می‌شد نمی‌توانست نیازهای مالی خانواده را تامین نماید و این امر ناشی از مقروض‌بودن، ورشکستگی و... بود. از سوی دیگر زندگی خانواده در فقر مطلق و نداری بود در نتیجه برای آن‌ها راهی برای گریز از مشـکلات مالی و برآورده‌کردن نیازهای فرزندان وجود نداشت. این مقوله شـامل مفاهیـم: تعلیق نقش نان‌آوری پدر یا همسـر، فقر مالی و فقدان جایگزین یا ناچاری اسـت. محبوبه می‌گوید: «به‌جایی رسـیده بودم که حتی نون خشـکم نداشتم بخورم، خودمو پسرم زندگی سختی داشـتیم، کرایه خونم مونده بود، نمی‌دونستم چه‌کار کنم، از زندگیم و نداری خسته شـده بودم، برام خیلی سخت بود، چقدر قرض می‌کردم، مگـه چقدر به یه زن تنها قرض می‌دادن، خانوادمم شـرایطی نداشـتن که بتونن کمکم کنن، برای همین شـروع بـه‌کار کردم، اول رفتم تو یه کارخونـه کار کردم، وقتای اسـتراحتمم می‌رفتم پیش خانم... کار یاد می‌گرفتم وقتی که دیگه مهارتام کامل شد، برای وام اقدام کردم، بعد از این‌که وام گرفتم، از کارخونه اومدم بیرون، کار خودمو راه‌انداختم.»

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی بر اساس رویکرد جنسیت و توسعه یکی از سیاست‌گذاری‌های مهم برای تغییر موقعیت زنان دیدگاه توانا‌سازی اسـت. گرچه رویکردهای دیگری نیـز همچون رفاه و خیریه و... وجود دارد اما در این رویکـرد، زنان تنها دریافت‌کننده حمایت‌ها نیسـتند بلکه تولیدکننده، مشـارکت‌کننده و در عین حال برخوردار شـونده از امکانات به‌دسـت‌آمده در فرآیند

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

توسعه‌اند، از نظر آمارتیاسن نیز توانمندسازی زنان از طریق ایجاد فرصت‌های اشتغال می‌تواند منجر به تغییرات عمده در زندگی آنان شده. این مشارکت فواید بسیاری برای زنان در بر خواهد داشت. توانمندسازی زنان فرآیندی است که باعث می‌شود قدرت تصمیمگیری در زندگی زنان افزایش‌یافته و کیفیت زندگی آنان افزایش پیدا کرده و از وابستگیشان به دیگران کاسته می‌شد. این رویداد تغییر مهم زندگی زنان این بود. برنامه‌های توانمندسازی در جهان سابقه طولانی داشته و در ایران نیز طی دهه‌های گذشته به‌طور جدی پیگیری شده است. اما این‌که انگیزه‌ها و بسترهای مشارکت زنان در این فرآیند چیست، موضوعی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است. در این راستا با پانزده نفر از زنانی که در برنامه‌های توانمندسازی در شهر کرمان شرکت داشته‌اند، با روش داده‌بنیاد و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه‌هایی انجام شده است.

مقوله مرکزی کشف‌شده از پژوهش حاضر جبر محیطی و ریسک‌پذیری است و نشان می‌دهد تمامی زنان حاضر در برنامه‌های توانمندسازی به نوعی درگیر مساله‌ها و مشکلاتی در زندگی خود از کودکی تا زمان انجام پژوهش بوده‌اند و این مساله‌ها آنان را به سمت برنامه‌های توانمندسازی سوق داده و قدرت ریسک‌پذیری آنان نیز عامل بسیار مهمی در این مسیر بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد زنان مشارکت‌کننده در پژوهش دچار نوعی گسیختگی در خانواده بودند، چه خانواده اصلی آن‌ها که از کودکی زندگی می‌کردند و چه زندگی مشترکشان که منجر به جدایی گشته بود و برخی نیز تجربه زندگی با افرادی غیر از زندگی با پدر و مادر خود داشته‌اند، از سوی دیگر این زنان از کودکی و نوجوانی کار می‌کردند که شامل کار در منزل و خارج از منزل بوده و به نوعی مشقت و سختی را یاد گرفته بودند. همچنین زنان نوعی زیست در ناکامی و تنهایی را آموخته بودند. در زندگی مشترک به‌دلیل ازدواج اجباری، خساست همسر، نبود عشق و محبت در زندگی و احساس نارضایتی، احساس ناکامی می‌کردند. از طرف دیگر به این نتیجه رسیده بودند که تنها خودشان هستند که باید بار زندگی را بر دوش بکشند و نمی‌توانند هیچ انتظاری از دیگران داشته باشند و باید برای رسیدن به استقلال و کاهش وابستگیشان به دیگران تلاش کنند. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است تنگنای معیشتی یکی از دلایل و انگیزه‌هایی بوده که زنان را به سوی توانمندسازی پیش برد. همسر یا پدر خانواده به‌دلایل مختلف مقروض بوده و توانایی مالی نداشته، خانواده با فقر مالی مواجه بوده و از سوی دیگر، زنان چاره دیگری نداشتند و آن‌ها ناچار به تامین مایحتاج و خود و فرزندانشان بوده‌اند. آن‌چنان که نایلا کبیر بر عاملیت زنان تاکید دارد که با به‌چالش‌کشیدن وضع موجود سعی می‌کنند تغییراتی در زندگی خود پدید آورند، بنابراین زنان حاضر در پژوهش فوق نیز پس از رویارویی با وضعیت دشوار خود، به‌عنوان عوامل ایجادکننده تغییر سعی کرده‌اند در وضعیت زندگی خود تغییر ایجاد کنند. همچنین پژوهش وی و همکاران۲۰۲۱[۱۸] نقطه مقابل این امر را می‌بینند که توانمندسازی زنان تاثیر زیادی بر سلامت، تغذیه، آموزش و رفاه کلی جوامع و همچنین کودکان و خانواده‌ها دارد و باعث افزایش دسترسی زنان به آموزش، مالکیت دارایی و تصمیمگیری، افزایش سلامت، آموزش کودکان و دسترسی به امکانات پزشکی و در نتیجه کاهش قابل توجه فقر شده است. همچنین سایر یافته‌ها نشان‌دهنده این است که این زنان اراده‌مند هستند، تمام مشکلات و ناملایمات زندگی را پذیرفته، سعی در تغییر شرایط زندگی خود داشته و از سوی دیگر مقاومت زیادی از خود نشان داده‌اند. اراده‌مندی زنان نیز به نوعی با عاملیت آنان به‌عنوان عوامل تغییر در ارتباط است، زنان به‌عنوان کنشگران عامل تغییر در زندگی خود هستند. بخش دیگری از یافته‌ها نشان می‌دهد زنان دوست داشتند که کسب و کاری داشته باشند، از این رو به مهارت‌آموزی چه به‌صورت شرکت در کلاس‌های آموزشی و چه یادگرفتن از دیگران و کارکردن نزد افراد مختلف پرداخته و از سوی دیگر مشاغل مختلف را مورد آزمون و خطا قرارداده تا شغل مورد علاقه خود را راه‌اندازی کنند. این بخش از یافته‌ها با یافته‌های پژوهش المامون و حقیه۲۰۲۲[۳] که نشان می‌دهند توانمندی اقتصادی و استقلال زنان همراه با دسترسی به فرصت‌های‌شغلی است همسو است. ظرفیت اقتصادی بالاتر به آن‌ها استقلال بیشتری می‌دهد و آن‌ها را برای برخی از انتخاب‌های زندگی خانوادگی و استراتژیک آسوده می‌کند. همچنین نتایج پژوهش کلهری و محمدیان۲۰۲۱[۲۴] نشان می‌دهد توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، پژوهش جهانبین و همکاران۲۰۱۹[۲۷] نشان می‌دهد بین توانمندسازی زنان و عوامل

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

اقتصـادی چـون دسترسـی به شـغل دارای درآمـد، نوع شـغل، میزان درآمد، دسترسـی بـه تسـهیلات بانکی، تحـت پوشـش‌نهاد حمایتی‌بودن، قدرت‌پس‌انداز، و برخورداری از حق مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد. سـایر یافته‌ها نشـان می‌دهـد که یک دیگری همدل و تسـهیلگر در کنار اکثر این زنان قرار داشته که ضمن راهنمایی و هدایت آنان، تا حدودی هم تا جایی که در توانشـان بوده حمایت کرده‌انـد. آن‌چنان‌که پژوهش کولی و همـکاران۲۰۲۱[۲۰] نشـان می‌دهد زنانی که احسـاس حمایت بیشـتر از سـوی همسـر و خانواده داشتند موفقیت بیشتری در توانمندسـازی کسـب نموده و این حمایت نقش جدایی‌ناپذیری در فرآیند توانمندسازی دارد. همچنین بخشـی از پژوهش اسـپارک، شارپ و کوچبرسکی۲۰۲۰[۲۳] نشان می‌دهد که استقلال زنان به شـدت به ارتباط آن‌ها با دیگران بستگی دارد. به‌طور کلی پژوهش فوق نشان می‌دهد زنان براساس آنچه تحت عنوان مقوله هسـته جبر محیطی و ریسـک‌پذیری نامیده شـده اسـت، به‌عنوان کنشگرانی که عاملان تغییر در زندگی خود بوده‌اند بر اساس شـرایط خاص زندگی خود که ناشی از وضعیت خانوادگی و اجتماعی بوده و از سوی دیگر بسترهایی که در آن زندگی نموده‌اند، در برنامه‌های توانمندسازی مشـارکت کرده و این مشارکت باعث تغییراتی در زندگی آنـان گردیـده و در نتیجه یکـی از عوامل مهم توانمند شـدن این زنان می‌باشد.

پیشـنهادها: بر اسـاس یافته‌های پژوهش حاضر، برای بهبود تاثیر فرآیندهای توانمندسـازی، مطالعه انگیزه‌ها و زمینه‌های مشـارکت زنان در این فرآیندها ضروری اسـت. همچنین پیشنهاد می‌شود زنانی در این فرآیندها مشـارکت داده شوند که انگیزه کافی داشته و از سوی دیگر از حضور مستمر آنان تا رسیدن به نتیجه نهایی اطمینان حاصل شود.

راه‌بسـت‌ها: یکی از محدودیت‌های اساسـی در پژوهش حاضر، شناسـایی زنان تحت پوشـش برنامه‌های توانمندسازی و جلب رضایت آنان برای مصاحبه بود. برای برطرف نمودن این محدودیت سـعی شـد از افرادی که به‌طور مسـتقیم با این زنان در ارتباط بوده و اعتماد بین این افراد و زنان مورد نظر شـکل گرفته بود اسـتفاده شود و این افراد پس از شناسـایی گروه هدف، یک جلسه برای آشنایی پژوهشگر و این زنان، با پژوهشگر همراهی نموده و به این صورت اعتماد افراد برای مشارکت در پژوهش جلب شد.

سپاسـگزاری: پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی زنانی که در انجام پژوهش حاضر مشـارکت نموده و افرادی که زمینه مصاحبه با زنان را فراهم کردند، تشکر و قدردانی خود را اعلام نمایند.

تضاد منافـع: بین نویسـندگان این مقالـه هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

منابع

References:

1. Choudhry AN, Rozita AM, Nur Syakiran Akmal I. Socio-cultural factors affecting women economic empowerment in Pakistan: A situation analysis. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences. 2019:90-102. http://dx.doi.org/10.52567/pjsr.v3i3.228 https://repo.uum.edu.my/id/eprint/26880/
2. Shditalab Z, Vahabi M, Vermziar H. Income poverty is only one aspect of the poverty of female heads of the household. Social Welfare Scientific Research Quarterly. 2005;5(17):1-23.[Persian]. http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2120-en.html
3. Al Mamun A, Hoque M. The impact of paid employment on women's empowerment: A case study of female garment workers in Bangladesh. World Development Sustainability. 2022:1-11. http://dx.doi.org/10.1016/j.wds.2022.100026
4. Desai CH, Garg R. Empowering women to make strategic life choices: A Study. Gender Equity: Challenges and Opportunities; Proceedings of 2nd International Conference of Sardar Vallabhbhai National Institute of Technology. 2022:179-90. https://doi.org/10.1007/978-981-19-0460-8 https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-19-0460-8_18
5. Chutia A. Women empowerment and its conceptual perspectives. Journal of Positive School Psychology. 2022:5171-6. https://journalppw.com/index.php/jpsp/article/view/8351
6. Adhariani D. Microfinance and the role of accounting in supporting family-resilience-based women's empowerment. The Qualitative Report. 2022:366-84. https://doi.org/10.46743/2160-3715/2022.4249
7. Mandal KC. Concept and types of women empowerment. International Forum of Teaching and Studies. 2013:17-30. https://www.semanticscholar.org/paper/Concept-and-Types-of-Women-Empowerment-Mandal/9f4537a6345e288c93589e61e20b1ce82fd6c491
8. Ng PY, Wood BP, Bastian BL. Reformulating the empowerment process through women entrepreneurship in a collective context. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research. 2021:154-76.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

http://dx.doi.org/10.1108/IJEBR-06-2021-0479
9. Miskiyah N, Ridho SLZ, Hadi J, Purnamasari K. Women attribute and household level factor on women's empowerment. Media Ekonomi dan Manajemen. 2021:181-95. http://dx.doi.org/10.24856/mem.v36i2.2124
10. Ghaffari G. Women and social development. Women'S Rights. 2000. [Persian]. http://noo.rs/Ee2Me
11. Sen A, Development as Freedom. 2004. Oxford, UK [Persian]. https://global.oup.com/academic/product/development-as-freedom-9780198297581?lang=en&cc=no
12. Humphrey J. Promoting transformational change through women's economic empowerment: Connecting men, masculinities, and care work for a more equitable future. School of International Development and Global Studies, University of Ottawa. 2022:1-66. https://ruor.uottawa.ca/items/936d1a37-75d5-4378-bd4e-78be12a326d4/full
13. Konnie JM. Smallholder women empowerment: The case of norwegian agricultural programme in Senanga, Zambi. Lusaka: The University of Zambia. 2022. http://dspace.unza.zm/handle/123456789/7507
14. Al Hakim GB, Bastian BL, Ng PY, Wood BP. Women's empowerment as an outcome of NGO projects: Is the current approach sustainable? Administrative Sciences. 2022:1-23. https://www.mdpi.com/2076-3387/12/2/62/
15. Langwe SH. Gender awerness: The missing element in the third world development project. In Wallace T, Marsh C. a Chapter of "Changing Perceptions: Writing on Gender and Development" Oxfam: Oxfam, UK. 1991. p. 18-150. https://policy-practice.oxfam.org/resources/changing-perceptions-writings-on-gender-and-development-122765/
16. Buisson MC, Clement F, Leder S. Women's empowerment and the will to change: Evidence from Nepal. Journal of Rural Studies. 2022:128-39. https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.06.005
17. Arshad F, Shahnawaz M. South Punjab's economic development in the perspective of women's empowerment. Perennial Journal of History (PJH). 2022:69-90. https://doi.org/10.52700/pjh.v3i1.101
18. Wei W, Sarker T, Żukiewicz-Sobczak W, Roy R, Alam GMM, Rabbany MG, Hossain MS, Aziz N. The influence of women's empowerment on poverty reduction in the rural areas of Bangladesh: Focus on health, education and living standard. International Journal of Environmental Research and Public Health. 2021:1-18. https://doi.org/10.3390%2Fijerph18136909
19. Kosec K, Akramov K, Mirkasimov B, Song J, Zhao, H. Aspirations and women's empowerment: Evidence from Kyrgyzstan. Economics of Transition and Institutional Change. 2022;30(1):101-34. https://doi.org/10.1111/ecot.12302
20. Coley C, Sheshadri S, Devanathan S, Bhavani RR. Contextualizing women's empowerment frameworks with an emphasis on social support: A study in rural, South India. Community, Work & Family. 2021:1-20. http://dx.doi.org/10.1080/13668803.2021.1879021
21. Abbas S, Issac N, Zia M, Zakar R, Fischer F. Determinants of women's empowerment in Pakistan: evidence from demographic and health surveys, 2012–13 and 2017–18. BMC Public Health. 2021:1-14. 0.1186/s12889-021-11376-6. PMID: 34229626; PMCID: PMC8259000. https://bmcpublichealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12889-021-11376-6
22. Ismail EAA. Using exploratory and confirmatory factor analysis in measuring gender and women's empowerment in Egypt. Journal of System and Management Sciences. 2020:1-19. :10.33168/JSMS.2020.0301 https://www.aasmr.org/jsms/Vol10/Vol.10.3.1.pdf
23. Spark C, Sharp TLM, Koczberski G. Relationality and economic empowerment: The role of men in supporting and undermining women's pathways. The Journal of Development Studies. 2020:1-17. 10.1080/00220388.2020.1850697 https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00220388.2020.1850697
24. Kalhori S, Mohammadian F. Investigating the relationship between financial access and women's economic empowerment in Middle Eastern countries. Women in Development and Politics. 2021;20 (2):165-82. [Persian]. https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.334293.1008116
25. Sayami Q, Sattarivand M. Strategic analysis of the empowerment strategies of women heads of households in informal settlements with an emphasis on entrepreneurship. Case study: Ansar and Arvand neighborhoods in Shahid Rajaei town of Mashhad. Women in Development and Politics. 2021:405-27. [Persian]. https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.321773.1007993
26. Hosseini M. Thematic analysis of women's social development with emphasis on sustainable empowerment. Iranian Journal of Social Development Studies 2019;13 (49):185-98. [Persian]. https://sanad.iau.ir/en/Journal/jisds/Article/821832/FullText
27. Jahanbin R, Babai Agdam F, Roostaei S, Asghari Zamani A. Analysis and measurement of economic factors affecting women's empowerment in urban slums (Case study: Informal settlements of Ilam city). Human Geography Research. 2019;52 (1):303-21. [Persian]. https://doi.org/10.22059/jhgr.2018.258395.1007707
28. Keshavarzi F, Shamshiri B. The practical model of development of women's empowerment in Iranian society: A combined research. Women in Development and Politics 2019;18 (3):463-84. https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.300983.1007816
29. Corbin J, Strauss A. Basic of qualitative research, Teqniques and producers for developing Grounded Theory, New York City, USA, SAGE Publications, Inc. 2021. 334 p. [Persian]. https://doi.org/10.4135/9781452230153
31. Creswell JW, Poth CN. Qualitative inquiry and research design choosing among five approaches. New York City, USA, SAGE Publications, Inc. 2014. 320 p. [Persian]. https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/qualitative-inquiry-and-research-design/book266033

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]